اسرار و آداب اعتکاف

جعفر وفا

گرچه انسان فطرتاً کمال‏جو و خداگر است و به علم و تجربه دريافته که آرامش‏کامل روحي در گرو پيروي از تعاليم الهي، تربيت ديني و تهذيب دروني است ولي‏عادت‏پذيري، فراموشکاري و تأثير از محيط و فعاليت‏هاي اجتماعي و تکراري اوفکري، رواني و انواع فساد و گناه، به تدريج غبار غفلت بر فطرت آدمي مي‏نشاند واو را از معرفت نفس، خودشناسي و »خويشتن‏باني« دور مي‏سازد.

اسلام، به منظور عادت‏شکني و اعتدال بخشي به درونگرايي و برونگرايي،ايجاد وفاق در تفکرات تنهايي و فعاليت‏هاي فردي و اجتماعي انسان، راه‏هايي‏پيش‏بيني کرده که »اعتکاف« يکي از آن‏هاست.

مفهوم اعتکا

اعتکاف در اصل از مادّه «عکف» به معناي اقامت کردن، ماندن در جايي وملازم بودن با چيزي و به معناي مواظبت و حبس و توقف است و نيز به معناي‏رويکرد به چيزي با توجه و تعظيم است.[1]

در اصطلاح فقهي عبارت است از:

«اَللَّبْثُ في‏ مَسْجدٍ جامِعٍ ثَلاثَة اَيَّامٍ فَصاعِداً صائماً لِلْعِبادَةِ»[2]

توقف در مسجد جامع براي عبادت به مدت سه روز و بيشتر در حال روزه.

«مُعتکِف» شخص اعتکاف‏کننده، کسي که جهت تقرب به خدا در مسجدجامع، اعتکاف مي‏کند.

پيشينه تاريخي اعتکاف:

«اعتکاف» از عبادت‏هاي مخصوص اسلام نيست بلکه در اديان ديگر نيزوجود داشته است. براي نمونه:

1. حضرت سليمان‏عليه السلام در مسجد بيت‏المقدس به مقتضاي زمان و حال وشرايط به مدت يک سال و دو سال، يک ماه و دو ماه و کمتر و بيشتر، اعتکاف‏مي‏کرد.[3]

مي‏پرداختند.

«وَعَهِدْنَا إِلَي‏ إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ أَن طَهِّرَا بَيْتِيَ لِلطَّائِفِينَ وَالْعَاکِفِينَ وَالرُّکَّعِ‏السُّجُودِ»(بقره: 125)

به حضرت ابراهيم و اسماعيل‏عليه السلام سفارش نموديم تا خانه‏ام را براي طواف‏کنندگان، معتکفان و نمازگزاران، تطهير نمايند.

4. به گواهي و صراحت قرآن کريم، حضرت مريم‏عليها السلام از مردم فاصله گرفت ودر خلوت به سر برد تا در مکاني خالي و فارغ از هرگونه دغدغه، به راز و نياز باخداي خود بپردازد و چيزي او را از ياد محبوب غافل نکند. صاحب تفسيرالميزان در اين باره مي‏نويسد:

هدف مريم از دوري نمودن از مردم، بريدن از آنان و روي آوردن به سنت،«اعتکاف» بوده است.[4]

اين سنّت پسنديده، به تدريج از زمان‏هاي گذشته ابراهيم و اسماعيل‏7 به‏ساکنان سرزمين حجاز و سرزمين مکّه منتقل و حتي در زمان جاهليت نيز به‏عنوان يک عبادت رايج گرديد.[5]

گرچه شکل و شيوه و کم و کيف آن عوض شده و چه بسا رنگ جاهلي به خودگرفته بود؛ ولي در هر حال نشان از ديرينه تاريخي آن دارد. با ظهور اسلام، اين‏عبادت به صورت صريح و با ابعاد گسترده، در ميان مسلمانان رسميّت يافت.مسلمانان به تبع رسول خداصلي الله عليه وآله به آن بها دادند و در ماه رمضان به تدريج درمسجد الحرام و مسجد النبي به صورت دسته جمعي به اعتکاف نشستند وهم‏اکنون نيز در ميان مسلمانان ارزش و رسميت خاص دارد و در دهه آخر ماه‏مبارک رمضان در کشورهاي مسلمان‏نشين مانند عربستان، اين سنت نبوي باشکوه خاصي برگزار مي‏شود و تعداد قابل توجهي از مسلمانان به ويژه جوانان دراين سنّت حسنه با اين جايگاه رفيع به عللي در ايران متروک بود و جز خواصّ، به‏آن توجهي نمي‏کردند. در عصر صفوي که گرايش مذهبي حاکمان و همگامي‏آنان با عالمان ديني زمينه را براي پياده کردن احکام فقهي فراهم آورد، اعتکاف‏نيز چون ديگر مسائل فقهي جان گرفت و به وسيله دو عالم بزرگ شيخ بهايي ولطف‏اللَّه عاملي و با همفکري و هماهنگي زمامداران صفوي در اصفهان و ديگرشهرهاي ايران رونق خاصّي يافت. با غروب قدرت صفوي، اين موضوع نيز به‏افول گراييد و فراموش گرديد تا روزي که در شهر مقدس قم توسط عالم رباني‏ميرزا مهدي بروجردي احيا گرديد. اين عالم بزرگ که از ملازمان و مشاوران‏آيت‏اللَّه شيخ عبدالکريم حائري يزدي بود پرچمدار اعتکاف گرديد. او به تنهايي‏در مسجد امام حسن عسکري‏عليه السلام اعتکاف مي‏کرد. به تدريج برخي از علما به وي‏پيوستند و اين موضوع گسترش يافت. آيت‏اللَّه العظمي بروجردي (قدس‏سره) توجه خاصي به آن مبذول مي‏داشت. در ايام اعتکاف حوزه درسش راتعطيل مي‏نمود و معتکفان را مورد عنايت قرار مي‏داد.[6] از آن پس، اعتکاف به‏نهال پرثمر تبديل و شاخ و برگ‏هاي آن گسترده شد و پس از انقلاب اسلامي وتبليغات رسانه‏هاي ملي مذهبي، قلمرو آن توسعه يافت و هم‏اکنون در سطح‏وسيعي در ميان اقشار مختلف مردم به ويژه جوانان رواج يافته است.1 . ر.ک: مجمع البحرين، طريحي، ج 3، ص 229؛ غريب القرآن، ص 344؛ لسان الميزان،ابن‏منظور، ج 9، ص 254.2 . الموسوعة الفقهيه، محمدعلي انصاري، ج 4، ص 156، به نقل از الدروس، ج 1، ص 298.3 . ر.ک: بحارالانوار، ج 14، ص 141، چاپ تهران.4 . الميزان، ج 14، ص 34.5 . ر.ک: المسائل الناصريات، سيدمرتضي علم الهدي، ص 119.6 . ر.ک: اعتکاف سنتي محمّدي، رحيم نوبهار، ص 30.

جايگاه و ارزش اعتکا

اعتکاف در فرهنگ ديني از جايگاه رفيع برخوردار است. در قرآن سه بار برآن تأکيد شده و روايات زيادي در فرهنگ‏سازي آن از اهل‏بيت‏عليهم السلام صادرگرديده است. در فضيلت اين عمل عبادي، همين بس که رسول خداصلي الله عليه وآله هر سال‏دهه آخر ماه مبارک رمضان را در مسجد معتکف مي‏شدند و در گوشه‏اي از آن‏خيمه زده و بستر خود را جمع مي‏کردند و مانند شب‏هاي معمولي در بستراستراحت اعتکاف فرصت مناسبي نيافت؛ سال آينده بيست روز اعتکاف نمود؛ده روز جهت سال جاري و ده روز قضاي سال گذشته.[1]

ارزش اعتکاف محدود به موارد خاصّي نيست بلکه در ابعاد مختلف، ارزش واعتبار دارد: در عرفان و اخلاق و امور اجتماعي.

ارزش عرفاني:

در فرهنگ و فقه اسلامي از اعتکاف مي‏توان به عنوان بزرگ پايگاه عرفاني‏ياد کرد.

اعتکاف، تغيير مسير، آغاز دوباره و فصل جديد زندگي است. فصل ربيع ورويش دروني است براي شکوفاشدن؛ اعتکاف روزنه‏اي است به سوي رضوان‏الهي و دري است براي پاکسازي درون. اعتکاف درب خروجي است از «بودن» وورودي است براي «شدن». اعتکاف باران رحمتي است بر کوير دل‏هاي تفتيده ازگناه.

اعتکاف عبادتي است مستقل و مشروط به زمان و مکان و اعمال خاص بإ؛ث‏ث‏چ‏ک‏ک‏کّ‏ويژگي‏هاي منحصر به فرد که به آن برتري مي‏بخشد و در ميان عبادات اسلامي‏ممتازش مي‏کند:

نخست آن که اعتکاف، همراه با شرکت در ضيافت الهي و روزه‏داري است وبدون شرکت در آن، اعتکاف تحقق نمي‏يابد. افزون بر اين، اعتکاف نوعي احرام‏درون مسجدي است؛ ملازمت و استمرار در مسجد، شبيه وقوف در حريم عرفات‏و مشعر و مني است که به محض خروج عمدي و آگاهانه تعيين شده، عمل اوباطل مي‏شود.

در حال احرام، بايد هر نوع مجادله و ممارات و جرّ و بحث را ترک گفت و از هرنوع گفتار و عمل ناهنجار و فحش و ناسزاگويي پرهيز نمود به سان مُحرم که تنهابايد لَبّيک و سعديک وِرد زبان او باشد.

پيکار پيوسته با دشمن درون و در حال تمرين براي مبارزه با تعلقات مادي ودلبستگي‏هاي دنيوي؛ حتّي نبايد جز ضرورت دست به تجارت و معامله بزند وخريد و فروش کند. صادق آل محمدعليهما السلام فرموده است: پدرم امام باقرعليه السلام‏فرمود:

«اِنَّ المُعتَکِفَ لايَبيعُ وَ لايَشْتَري وَ لايُجادِلُ وَ لايُماري‏ وَلايَغْضَبُ وَ لايَتَحوَّلُ‏مِنْ مَجْلِسِ اِعْتِکافِهِ».[2]

معتکف خريد و فروش نمي‏کند؛ به مجادله و جر و بحث نمي‏پردازد؛ بر کسي‏خشم نمي‏گيرد و محل اعتکاف خود را تغيير نمي‏دهد.

معتکف به دو عمل معنوي بيشتر اهتمام مي‏ورزد: يکي انس و الفت با قرآن وتلاوت آن است و ديگري مناجات و دعا و نيايش. جايگاه و ارزش عرفاني اعتکاف‏به خاطر اهتمام به اين کار است.

معتکف نبايد در طول اعتکاف مسجد را ترک کند؛ بايد پيوسته به نماز و ذکرخدا مشغول شود؛ در امور دنيوي سخن نگويد؛ شعر و سرود نسرايد؛ سخنان‏ناهنجار بر زبان جاري نسازد و هر اندازه مي‏تواند از سخن گفتن لب فرو بندد.

ارزش اخلاقي:

اعتکاف در تعديل و کنترل فضائل نفساني نقش مهمي دارد؛ سه روزکم‏حرفي، و تعطيلي گفتار بي‏معنا، تمريني است براي اعتدال دائمي به گفتار ودر اختيار گرفتن زمام زبان.

اعتکاف سه روزه روش استقامت را براي معتکف نشان مي‏دهد و راه تنهاماندن، تنها زيستن و دور از زن و فرزند بودن را ياد مي‏دهد. مي‏آموزد که انزوا وعزلت موقت و دوري از زندگي معمولي، انسان را آبديده‏تر مي‏کند، به همين‏لحاظ انبياي عظام همانند رسول خداصلي الله عليه وآله و ابراهيم خليل‏عليه السلام مدتي عزلت‏

ارزش اجتماعي:

اعتکاف، هرگز به معناي منزوي شدن و از مردم بريدن و بي‏درد و بي‏تفاوت‏ماندن و نيز نوعي رهبانيّت و زهد کاذب و فرار از مشکلات جامعه نيست؛ بلکه‏اعتکاف مظهر بارزي از عرفان اجتماعي و ره‏يافت شعورمندانه به حل و فصل‏مشکلات و نيازمندي‏هاي مردم است. اعتکاف، عرفان عملي است که معتکف درعين خلوت در جريان امور جاري جامعه و مشکلات مسلمين قرار مي‏گيرد و دراين جهت نيز به بزرگان و پيشوايان معصوم‏عليه السلام اقتدا مي‏کند.

ابن‏عباس مي‏گويد:

امام حسن مجتبي‏عليه السلام در بيت‏اللَّه الحرام معتکف بود و من همراه آن حضرت‏بودم و او مشغول طواف بود. يکي از شيعيان گفت: يابن رسول اللَّه! من مبلغي به کسي‏بدهکارم اگر ممکن است برايم مساعدت کنيد تا آن را بپردازم. امام‏عليه السلام فرمود: به‏صاحب اين خانه قسم الان چيزي ندارم. گفت: اگر ممکن است شما از او برايم مهلت‏بگيريد؛ چون مرا به حبس و زندان تهديد کرده است. در همين حال ناگهان امام‏عليه السلام‏طواف خود را قطع کرد و با آن مرد به راه افتاد. به حضرتش گفتم: يابن رسول اللَّه!شما فراموش کرده‏ايد که معتکف هستيد؟ فرمود نه فراموش نکرده‏ام ولي شنيده‏ام ازپدرم که مي‏گفت شنيدم از رسول خداصلي الله عليه وآله که فرمود: «من قضي‏ لاخيه المؤمن حاجةًکان کمن عبدللَّه تعالي تسعة آلاف سنة، صائماً نهاره و قائماً ليله» هر کس نياز مؤمني‏را برآورد مانند کسي است که نه هزار سال خدا را عبادت کرده است؛ عبادتي که روزهاروزه‏دار و شب‏ها به نماز ايستاده باشد».[3]1 . وسائل الشيعه، ج 10، ص 534 - 533، مؤسسه آل البيت.2 . مستدرک الوسائل، ج 7، ص 567.3 . مستدرک الوسائل، ج 7، ص 565.

شرايط اعتکا

اعتکاف داراي شرايطي است که صحت آن بستگي به انجام آن‏ها دارد. بافقدان هر يک از آنها، اعتکاف باطل و بي‏اثر است و آن شرايط عبارت است از:

1. اسلام:

صحت اعتکاف هم مانند ساير عبادات، مشروط به پذيرش اسلام و مسلمان‏شدن است و از غيرمسلمان صحيح نيست. چون عبادت به قصد قربت احتياج‏دارد و آن هم زماني ممکن است که انسان، خدا را به رسميت و به عنوان معبودبشناسد و گرنه نيت بي‏معناست.

2 و 3. عقل و بلوغ:

اعتکاف از مجنون و افراد غيربالغ صحيح نيست. البته بلوغ را اکثر فقهاي‏معاصر شرط نمي‏دانند. پس کودکان مميز هم مي‏توانند معتکف شوند.

4. نيّت:

هيچ عبادتي بدون نيت و قصد قربت به خدا انجام نمي‏پذيرد.

5 . روزه:

اعتکاف بدون روزه کامل و صحيح نيست. بنابراين نمي‏شود در ايام عيدقربان و عيد فطر، به اعتکاف نشست. زيرا روزه در آن ايام حرام است و نيز در حال‏سفر و هنگام پديد آمدن عذر شرعي به ويژه براي زنان معتکف. چون در آن حال‏روزه مشروعيت ندارد و اعتکاف هم بدون روزه ممکن نيست.

6 . عدد معيّن:

حداقل اعتکاف 3 روز کامل است و کمتر از آن درست نيست.

7. اذن ولي:

افرادي که نسبت به زيردست خود ولايت دارند اذن آن‏ها در اعتکاف شرطاست مانند شوهر نسبت به همسر خويش به شرط ضايع شدن حق او و مانند پدرو اجازه آن‏ها شرط است.

8 . تداوم اعتکاف در مساجد:

کسي که در مسجد جامع معتکف است بايد آن را در همان مسجد ادامه دهدو از آن جز به قدر ضرورت و جز موارد استثنايي خارج نشود و اگر خارج شد نبايدزير سايه راه برود.[1]

مُحرّمات اعتکا

اعتکاف گرچه عمل مستحبي است ولي با ورود و ادامه آن بدون خلل و خروج‏از آن، به عمل واجب تبديل مي‏شود و بر معتکف واجب است از انجام برخي ازامور پرهيز کند وگرنه اعتکافش باطل مي‏گردد و در مواردي حتي کفاره هم بر وي‏واجب مي‏شود، به سان عمره مفرده که در اصل عملي است مندوب و ممدوح ولي‏به محض نيت و پوشيدن لباس احرام و گفتن لبيک حدود 24 عمل برايش حرام‏مي‏شود و بايد به طريق صحيح و مشروع احرام خود را به پايان برساند. از جمله‏اموري که بر معتکف حرام است عبارت است از:

1. لذايذ جنسي:

چه به صورت مباشرت و عمل مشروع، چه به صورت تماس بدني و لمس‏شهوت‏انگيز و چه به صورت استمنا؛ مقصود از آن در اينجا انجام کاري است که‏شخص، خود را به ارضاي جنسي کاذب برساند همچون نگاه کردن به همسرخود.[1]

2. استعمال گل و بوي خوش:

اگرچه استفاده از عطر، به ويژه هنگام نماز، مستحب است اما در ايام اعتکاف‏استعمال آن ممنوع است. چون اعتکاف تمريني است براي چشم‏پوشي از لذايذدنيا و مبارزه با خواسته‏هاي نفساني، از اين‏رو امام محمدباقرعليه السلام فرمودند:

«اَلمُعتَکِفُ لايَشُمُّ الطيّبَ وَ لايَتَلَذَّذُ بِالرّيحان».[2]

معتکف عطر نمي‏بويد و از بوي خوش گل لذت نمي‏برد.

3. مجادله و گفتمان نمايشي (جرّ و بحث):

جرّ و بحث و لجاجت در گفتمان‏ها و بحث‏هاي آزاد و ميزگردهاي رسمي وغيررسمي، اگر در امور دنيوي يا ديني ولي به قصد ريا و صرفاً براي غلبه و برتري‏بر رقيب باشد حرام است و مبطل اعتکاف. اين کار ناپسند در حال عادي و خارج‏از دائره اعتکاف نيز حرام است ولي در اعتکاف حرمت آن بيشتر مورد تأکيد قرارگرفته است. زيرا اعتکاف رزمگاهي است که معتکف بايد با خواسته‏هاي نفساني‏مبارزه کند و اصولاً حال و هواي لذّت ناشي از پيروزي کاذب را از وي بگيرد ونفس را اسير خود سازد.[3]

4. انجام مُفطرات:

هر چيزي که روزه را باطل مي‏کند. همه آن‏ها بر معتکف حرام است. همچون‏خوردن و آشاميدن و سربه زير آب بردن و... زيرا روزه شرط اعتکاف است و هرچيزي که شرط اعتکاف را فاسد مي‏کند خود مشروطه را هم فاسد مي‏کند.

5 . خريد و فروش و معاملات غيرضرور:

تجارت بر مُعتکف ممنوع است به دليل آن که معامله با روح اعتکاف‏نمي‏سازد و فضاي معنوي آن را آلوده مي‏کند.[4]

لازم به يادآوري است که در هر يک از شرايط و محرمات اعتکاف، اختلاف‏نظر وجود دارد و عدم انطباق فتاوي مراجع معاصر با نظم و بيان اين مقال دال برعدم صحت آن نيست و ما براساس قواعد کلي و متون فقهي به تبيين موضوع‏پرداخته‏ايم.1 . ر.ک: اعتکاف در خلوت انس، سيدحميد محمودزاده، ص 90.2 . الموسوعة الفقهيه، ج 4، ص 171.3 . الموسوعة الفقهيه، ج 4، ص 171.4 . محرمات اعتکاف براساس کتاب الموسوعه الفقهيه، ج 4، ص 171 - 169، تدوين يافته‏است. براي تفصيل بيشتر به متن آن رجوع کنيد.

جوان و اعتکا

جوان در شرايط سنّي و نشاط خاصّي است که آماده شکوفايي معنوي وتربيتي نفحه‏هاي خاص معنوي قرار دهند.

نفحات و نسيم‏هاي الهي، فرصت‏هاي مغتنم و پرثمري است که از سوي‏خداوند، گسترده مي‏شود و صاحب‏دلان وقت‏شناس و روشن‏ضمير را زير بال‏خود مي‏گيرد؛ رسول خداصلي الله عليه وآله فرمودند:

«اِن لِرَبِّکُمْ في اَيّامِ دَهرِکُمْ نَفَحات اَلا فَتَعرَّضُولَها»[1]

خدا را در مجاري ايام و روند روزگارتان نسيم‏ها و نفحات خاصّي است. خود را درمعرض آن‏ها قرار دهيد.

روزها، و ساعت‏ها و لحظه‏هاي ماه رجب به ويژه ايام بيض (= 13 تا15) ماه، که به ميلاد مولود کعبه زينت يافته است عاشقان را به ضيافت الهي‏فرا مي‏خواند. به سان نسيم حيات آفرين بهار همراه با قطرات نويدبخش باران،پيام گويا و دعوت مصرانه و ملتمسانه است از کشاورز پرتلاش که برخيزد و درزمين مرغوب خود به کشت و فلاحت بپردازد.

اگرچه زمين مرغوب، همواره در اختيار اوست ولي شرايط و فضاي بهاري وسامانه جديد معنوي، فرصت استثنايي است براي بذرافشاني و محصولات‏بهاري.

جوان چون نهال نوثمري است که باغبان مي‏تواند آن را در موقعيّت و محلّ‏دلخواه خود، پرورش دهد ولي اگر مدتي بگذرد، نهال نوغرس، جان بگيرد وريشه‏هايش در دل زمين فرورود و شاخ و برگش فزوني يابد، در چنين شرايطي‏باغبان - هر چند ماهر و مجرب - نمي‏تواند مسير و موقعيت آن را تغيير دهد.

جوان باغبان روح خويش است؛ بايد آن را بپرورد و اعتکاف ربيع و رويش ورشد اواست. بايد در اين فرصت کوتاه نهايت بهره را ببرد و لحظه لحظه آن را به‏لحظات حيات‏بخش تبديل کند و قدر بداند.

سه روز اعتکاف، يعني سه روز تجديدنظر در پرونده گذشته و طرح نو براي‏آينده و يافتن پاسخ به اين سؤال که کجا بودم، کجا هستم و به کجا مي‏روم و از چه‏سه روز توقف در مسجد جهت تجديد قوا و تصميم دوباره بر سر دوراهي وانتخاب راه برتر و نزديک‏تر و رهايي از سياه‏چال نفس و نيل به سپيده سحر وتولد دوباره و عهد و پيمان جديد و آغاز دوباره زندگي است بسان اصحاب وجوانمردان کهف که با عزلت و انزوا، به واکاوي خود پرداختند و خود را بازيافتند وبزرگ آيت آيندگان شدند و بسان مريم عَذرا که در نبوغ جواني در گوشه‏اي انزواگزيد و در مسجد الاقصي معتکف گرديد و به دنبال آن، دل خود را محل فرودوحي و نفحات غيب قرار داد.

و سرانجام محمّدامين‏صلي الله عليه وآله که در کوه حرا به عزلت نشست و پس از مدتي،دري از جهان غيب به رويش باز شد. جواني که در مراسم اعتکاف طعم شيرين‏ايمان و انس با خداوند را مي‏چشد لذت‏هاي مادي و شهواني در ديدگانش حقيرو بي‏ارزش مي‏شود، ايمان و اعتقادش تقويت مي‏گردد و به آساني در گرداب فسادو باورهاي ضدّديني گرفتار نمي‏شود. از سوي ديگر، چنين مراسمي خود پيامي‏عملي و درسي عبرت‏آميز براي مردم است.

حضور جمعي از مؤمنان در مسجد براي عبادت، در حقيقت نوعي دعوت به‏خداپرستي‏و دين‏مداري است و آثار سازنده‏اي براي جامعه خواهد داشت. ازهمين‏رو، امروز در رويارويي با تهاجم فرهنگي دشمن نبايد نقش مؤثرسنت‏هايي که در باور عمومي مردم ريشه‏هاي عميق دارد، ناديده گرفته شود.بي‏ترديد، مساجد، حسينيّه‏ها، تکايا، هيأت‏هاي مذهبي، زيارت و اعتکاف نقش‏مهمي را در تربيت جامعه و گسترش فرهنگ ديني ايفا کرده و مي‏کنند. اين‏مقوله‏ها با آثار مثبت جانبي که دارند، اهرم‏هاي توانمندي در مقابله با فرهنگ‏بيگانه‏اند.

در دوران ما تهاجم دشمن ابعادي گسترده يافته است. اين حرکت‏استعماري، دست کم ريشه‏اي چندصد ساله دارد و همين پديده‏هاي سنتي،همچون اعتکاف، مردم ما را درمتأسفانه اهمّيّت آن و نقش بسزايي که در تصفيه‏و تزکيه روح انسان دارد، براي بسياري از مسلمانان، ناشناخته مانده است. ازاين‏رو جا دارد مبلّغان اسلامي بيش از پيش بر نقش مهمّ آن تأکيد ورزند تا اين‏سنت ديرينه محمدي آن‏گونه که شايسته است جايگاه خود را در جامعه اسلامي‏حفظ کند.[2]1 . المحجة البيضاء، فيض کاشاني، ج 5، ص 15، چاپ جامعه مدرسين.2 . اعتکاف سنتي محمدي، ص 53 - 52.

اسرار و آثار اعتکا

آيين اسلام که اين همه بر احيا و اقامه اعتکاف اصرار مي‏ورزد به خاطر اسرار وآثاري است که آن به دنبال دارد و از آن‏ها در فقه شيعي به «حکمت اعتکاف»تعبير شده است.[1] و آثار فردي، اجتماعي آن زياد است و هر يک سزاوار بحث‏مستقل و دامنه‏داري است و ما در اينجا به اختصار به برخي از آن‏ها اشاره‏مي‏کنيم:

1. تهذيب و تربيت نفس:

معتکف در مدت حضور در مسجد به رياضت روحي، تطهير و تربيت نفس وپاکسازي درون مي‏پردازد و از آلودگي‏هاي باطني خود مي‏کاهد. اعتکاف داراي‏نوعي التزام و تعهد است براي ترک امور مباح و ناشايست و رويکرد جدي به‏اطاعت الهي. پيامبر اسلام‏صلي الله عليه وآله فرمودند:

«مَنْ اِعْتَکَفَ ايماناً وَ احْتِساباً غُفَرِلَهُ ما تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِهِ».[2]

هر کس با ايمان و اخلاص معتکف شود، گناهان گذشته‏اش آمرزيده مي‏شود.

2. تفکر و انديشه در عظمت خداوند:

شخص معتکف فارغ از دشواري‏ها و درگيري‏هاي جامعه و خانه و خانواده ودر خلوتي امن و سکوت معنادار، فرصت خوبي در اختيار دارد تا درباره جهان‏هستي و جهان آفرين بينديشد و به برخي از اسرار اين عالم پي ببرد. اين نوع‏تفکر به يقين ارزش عبادي دارد؛ بلکه بهترين عبادت تلقي مي‏شود. چنانکه«اَفْضَلُ العِبادَةِ الفِکر».[3]

بهترين عبادت، تفکر است.

زيرا که ارزش عبادت با معرفت و درک صحيح و جامع عظمت خداوند به‏دست مي‏آيد و اصولاً شاخص ارزش‏يابي نماز و روزه، معرفت است و آن هم باانديشه و تفکر زياد ممکن است و اين صريح گفتار معصومانه امام صادق‏عليه السلام‏است که فرمودند:

«لَيْسَ العِبادَةُ بکَثرة الصّلاةِ وَ الصَّومِ، اِنّما العِبادَةُ التَّفَکّرُ في‏ أمراللَّه‏عزوجلّ».[4]

عبادت فقط با نماز و روزه زياد نيست بلکه عبادت تنها با تفکر در امر خداونداست.

3. تقويت اراده:

معتکف با رياضت و کنترل و مهار نفس خود - هر چند به مدت چند روز - عقل‏و تدبير خود را امير نفس خود قرار مي‏دهد و پس از اعتکاف نيز بيشتر و آسان‏ترمي‏تواند مراقب خود باشد، حضرت علي‏عليه السلام فرموده است:

«مَنِ استَدامَ رِياضَةَ نَفْسِهِ اِنْتَفَعَ».[5]

هر که به رياضت و پرورش نفس خود مداومت کند، بهره گيرد.

4. حضور در مسجد:

اعتکاف اگر هيچ اثري هم نداشته باشد همين که سبب حضور معتکف درمسجد مي‏گردد منبع خير و برکت الهي است و اين موضوع برگرفته از مکتب ومنطق علي‏بن ابي‏طالب‏عليه السلام است که فرمودند:

«اَلْجَلَسَةُ فِي الْمَسْجِدِ خَيْرٌ لي‏ مِنَ الْجَلْسَةِ فِي الْجَنَّةِ فَاِنَّ الْجَنَّةَ فيها رِضا نَفْسي‏ وَالْجامِعُ فيهِ رِضا رَبّي‏».[6]

نشستن در بهشت موجب رضايت خودم و نشستن در مسجد موجب رضايت‏پروردگار من است.

5. تغذيه بهداشت رواني و آرامش روحي و بازسازي رواني و امنيّت فردي واجتماعي.

6. اُنس با قرآن و دعا و کسب رضاي الهي در خلوت دل.

7. احياي سنت نبوي و برخورداري از اجر و پاداش بي‏پايانِ احياگران‏سنت‏هاي حسنه.

8. تمرين عزلت و انزواگرايي و اصلاح درون فردي.

9. مبارزه با گناه و جلوگيري از کاهش فساد و تهاجم فرهنگي.1 . ر.ک. الموسوعة الفقهيه، ج 4، ص 157.2 . جامع الصغير، ج 2، ص 575.3 . غررالحکم، ج 2، ص 381.4 . اصول کافي، ج 2، ص 55، چاپ بيروت.5 . غررالحکم، ج 5، ص 270.6 . ارشاد القلوب، ص 218.

آداب اعتکا

اعتکاف، افزون بر واجبات و محرمات، سلسله آدابي دارد که رعايت آن‏ها ازجانب معتکفان، بر کمالات معنوي آن مي‏افزايد که عبارت است از:

1. مراقبت بر اخلاص:

اخلاص يعني خالص سازي عمل از انگيزه و هدف غيرالهي؛ بايد انجام‏پيکره، مقدمه و شکل و شيوه عمل از آن خدا باشد؛ به ويژه اعتکاف که در ميان‏جمع و مسجد جامع صورت مي‏گيرد، خلوص بيشتري مي‏طلبد. چون افعال واعمال جمعي - برخلاف اعمال انفرادي و تنهايي و دور از ديد و منظر مردم - درپرتگاه سُمعه و ريا است و شيطان زودتر، انسان را به ريا وامي‏دارد.

پس اگر کسي براي تنوع، تفنّن، راحت شدن از مشکلات محيط منزل، فرار ازکار و يا به نيت يک استراحت چند روزه، استفاده از مزاياي اعتکاف، شهرت وامثال اين‏ها پا به محيط الهي مسجد و فضاي معنوي اعتکاف بگذارد جز حسرت‏و خسران بهره‏اي از اعتکافش نبرده است.[1]

2. پرستش آگاهانه:

عبادت اگرچه به صورت سطحي و قشري هم، صورت گيرد، صحيح و چه بسامقبول است ولي آثار و خيرات و برکات آن، زماني بيشتر ظاهر مي‏شود که همراه‏با معرفت، بصيرت و تفقه باشد؛ يعني پرستش و عبادت خدا، آگاهانه و با فهم‏عميق و با علم به اسرار و ابعاد آن باشد نه به صورت تعبّد عاميانه و برحسب عادت‏و تقليد. حضرت علي‏عليه السلام فرموده است:

«المُتعَبِّدُ عَلي‏ غَيْرِ فقهٍ کَحِمار الطَّاحونِ يَدُوُر و لايَبْرَحُ».[2]

کسي که بدون فهم عميق و آگاهي کامل، خدا را عبادت کند به استر آسياب‏مي‏ماند که هر چه مي‏گردد، به جايي نمي‏رسد.

امام کاظم‏عليه السلام فرموده است:

2«فتقَّهُوا في‏ دينِ اللَّهِ فَاِنَّ الفِقْهَ مَفتاحُ البَصيرةِ وَ تَمامُ العِبادَةِ وَ السَّبَبِ المَنازِلِ‏الرَّفيعَةِ وَ الرُّتَب الجَليلَة فِي الدّينِ وَ الدُّنيا و فَضْلُ الْفَقيهِ عَلَي العابِدِ کَفَضلِ الشَّمسِ‏عَلَي الکَواکِبِ وَ مَنْ لَمْ يَتَفَقَّهْ في دينِهِ لَمْ يَرْضِ اللَّهُ لَه عملاً».[3]

در دين خدا تفقه کنيد و آن را عميقاً بفهميد، زيرا فهم عميق و ريشه‏دار، کليد بربينايي و کمال عبادت و وسيله راه‏يابي به درجات بلند و مراتب رفيع است چه دردين، چه در دنيا و برتري شخص عميق هم، بر عابد ]سطحي‏[ مانند ارزش و برتري‏خورشيد بر ستارگان است و کسي که در دينش تفقه نکند، خدا هيچ عملي را از اونمي‏پسندد و بر آن رضايت نمي‏دهد.

پس بر معتکف بايسته است که اعتکاف خود را اولا هدفمند و براي کسب ثانياًآگاهانه و با شرايط خاص آن انجام دهد نه به تبع ديگران و بدون دقت و توجّه به‏راز و اسرار آن.

3. مرزبندي:

در مسجد جامع و بزرگ که تعداد زيادي از مؤمنان به اعتکاف و دعا و عبادت‏نشسته‏اند هر يک از آن‏ها حقوقي دارند که بايد حال آن‏ها رعايت شود و بهترين‏روش در اين مکان‏ها، حريم‏بندي است. يعني هر کس بايد بر حريم مادي ومعنوي خود حرکت کند و مزاحم ديگري نشود. حتي در شيوه قرائت قرآن وانجام نيايش بايد آهسته و آرام و بدون سر و صدا مشغول به عبادت شود تا حق‏ديگران ضايع نشود. رسول خداصلي الله عليه وآله در مسجد خود، (مسجد النبي)معتکف بودند و در پس پرده‏اي به نماز و دعا مشغول بودند؛ شنيدند که برخي ازمعتکفين، بي‏ملاحظه و با صداي بلند به قرائت قرآن يا نماز پرداخته‏اند. از اين‏برخورد ناراحت شده و پرده را کنار زده فرمودند:

اَلا اِنَّ کُلَّکُمْ يُناجي رَبَّهُ فَلا يُؤذِ بَعضُکُمْ بَعضاً وَ لايرفَعَنَّ بَعضُکُمْ عَلي‏بَعضٍ».[4]

بدانيد همه شما با خدا راز و نياز مي‏کنيد ]ولي‏[ بعضي از شما بعض ديگر رانيازارد و صداي خود را بلند نکند.